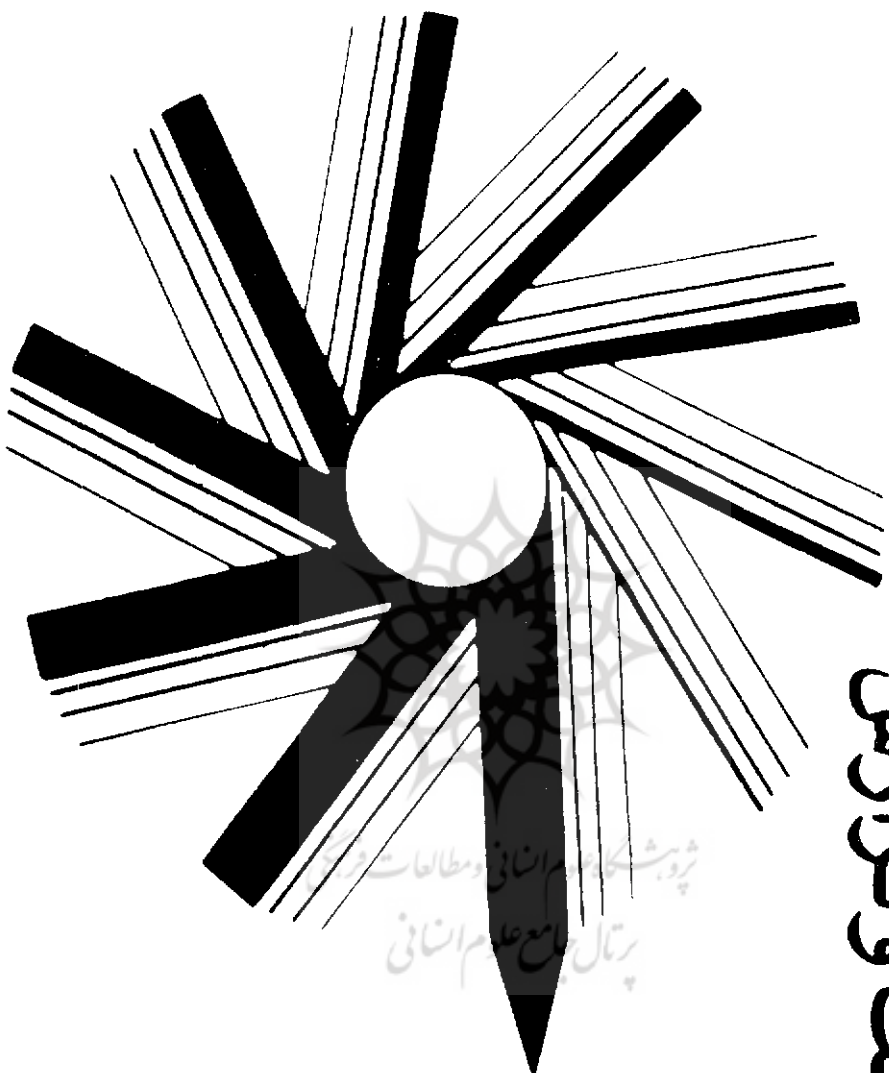


گشت و گزارش



بررسی و واکاوی چالشها و فرصتهای اقتصاد ایران در دهه آینده

«نگاهی به نخستین همایش اقتصاد ایران در دهه سوم انقلاب»

غلامحسین رسول‌اف

انجمن اقتصاد واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، در واپسین روزهای نخستین ماه زمستان امسال، (۲۹ و ۳۰ دیماه ۱۳۷۸) سالی که به نام درخشنده حضرت امام خمینی (ره) آراسته شده بود؛ و در حالیکه روزهای آغازین سده بیست و یکم را نیز برای پیشواز از بیست و یکمین سالگرد انقلاب شکوهند اسلامی پشت سر می‌نهادیم، نخستین همایش اقتصاد ایران در دهه سوم انقلاب را با هدف بررسی و نقد چالشها و فرصتهای اقتصاد ایران در این دهه در تالار اجتماعات واحد علوم و تحقیقات تهران برگزار کرد.

در این همایش سراسری که قرار است از این پس هر سال با همین نام و با تأکید بر یکی از موضوعات مهم اقتصادی به عنوان محور اصلی همایش از سوی انجمن اقتصاد واحد علوم و تحقیقات برگزار شود؛ هدف زیربنایی بر این پایه استوار شده است که با همیاری و هم‌اندیشی

استادان، دانشپژوهان، کارشناسان و دانشجویان رشته‌های اقتصاد و علوم وابسته، ضمن بررسی مسائل و مشکلات عمده اقتصاد ایران، چشم‌اندازی از وضعیت آینده اقتصاد کشور نیز برای شناخت بهتر سیاستگذاران و تصمیم‌سازان و مدیران کشور بویژه در طراحی برنامه‌های پنجساله توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی و نیز لوائح بودجه سالانه و دیگر موارد همگون در سطح کلان، ترسیم شود.

از آنجا که فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه نیز بنا به دعوت کمیته برگزاری همایش برای شرکت در نشستهای گوناگون و نیز برپایی غرفه در بخش نمایشگاهی این همایش حضور مؤثری داشت و از سویی با توجه به اهمیت گفتارهای مطرح شده در همایش، در این نوشتار تلاش می‌شود تا نگاهی گذرا به روند برگزاری این همایش و کنکاشی در مقالات برگزیده آن داشته باشیم.

مراسم گشایش نخستین همایش اقتصاد ایران در دهه سوم انقلاب (با نیم ساعت دیرکرد) در ساعت ۹/۳۰ بامداد پس از ورود حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام به محل برگزاری همایش، با تلاوت آیات آسمانی قرآن کریم با صدای دلنشین استاد کریم منصوری و پخش سرود مقدس جمهوری اسلامی ایران و در پی آن اجرای سرود ویژه دانشگاه آزاد اسلامی به همراه پخش تصاویری از دستاوردهای علمی - آموزشی و پژوهشی این دانشگاه آغاز شد.

پس از آن دکتر تق‌ترابی، دبیر همایش طی سخنانی، گزارش کوتاهی از روند آماده‌سازی، گردش کار و فراهم‌آوری پیشزمینه‌های برپایی همایش و انگیزه‌ها و هدفهای برگزارکنندگان آن به نیابت از سوی اعضای انجمن اقتصاد واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی ارائه کرد. در پی ارائه گزارش آغازین، جناب آقای دکتر عبدالله جاسبی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی ضمن خوش‌آمدگویی و سپاسگذاری از حضور مهمانان و شرکت‌کنندگان در همایش طی گفتاری کوتاه، ضمن تقدیر از نقش جناب آقای هاشمی رفسنجانی در پایه‌ریزی و سازماندهی دانشگاه آزاد اسلامی، با اشاره به برخی از دستاوردهای این دانشگاه، چگونگی تشکیل و

بررسی و واکاوی ...

سازماندهی انجمن اقتصاد واحد علوم و تحقیقات و نیز برپایی این همایش را به آگاهی حضاران رساند و سپس از ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، خواستار ارائه سخنان ارزشمند خود برای گشایش رسمی همایش شد.

در پی درخواست ریاست دانشگاه آزاد، جناب آقای هاشمی رفسنجانی، برای انجام سخنرانی افتتاحیه در جایگاه حاضر شدند که با توجه به اهمیت سخنان ایشان، بویژه برای دست‌اندرکاران مسائل اقتصادی، تا جای ممکن تلاش می‌شود بخشهای مهم این بیانات ارائه گردد.

ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، نخست از تلاشهای ارزشمند برگزارکنندگان همایش اقتصاد ایران قدردانی کرده و سپس از نقش و جایگاه ویژه‌ای که دانشگاه آزاد اسلامی در پیشبرد هدفهای علمی آموزشی و پژوهشی کشور داشته، تقدیر نمودند.

حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در بخش دیگری از سخنان خود، ضمن یادآوری اهمیت و اعتبار بنیادی و ساختاری علوم و تحقیقات اقتصادی در کشور، به تشریح عملکرد هشت ساله خود در دوران ریاست جمهوری و نقش اساسی سیاستهای تعدیل اقتصادی در برنامه‌های اول و دوم توسعه پرداختند.

ایشان در ادامه سخنان خود به دفاع از سیاستهای تعدیل ساختاری در دوران سازندگی پرداخته و آن را برخاسته از نیازها و واقعیتهای آن دوران برشمردند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در این زمینه افزودند: از ابتدای سازماندهی و اجرای برنامه تعدیل ساختاری همواره از سوی مخالفان این سیاست، بویژه دو جریان راست افراطی و چپ افراطی انتقادهای شدیدی مطرح بود ولی هیچکدام هرگز نتوانستند جایگزینی برای آن در راه انتقال کشور از شرایط جنگ به سازندگی ارائه دهند.

آقای هاشمی رفسنجانی در این باره تصریح کردند: مخالفان (کنونی) سیاست تعدیل (هنوز هم) هیچ حرف تازه‌ای برای گفتن ندارند. (در غیر این صورت) آنهایی که مخالف سیاست تعدیل هستند جایگزینهای خود را بیاورند. (ولی) کسانی که منکر موفقیت اجرای این برنامه هستند،

دروغ می‌گویند و با آمار حرف نمی‌زنند.

ایشان در بخش دیگری از گفتار خود، با تشریح فضای عمومی کشور در هنگام اجرای سیاستهای تعدیل و پیش از آن افزودند: در آن زمان تأثیرات اقتصاد مارکسیستی و سوسیالیستی در کشور جدی بود و انقلابیون با اقتصاد سرمایه‌داری و حتی اقتصاد مختلط که من اقتصاد اسلامی را اقتصاد مختلط می‌دانم، بشدت مخالف بودند.

آقای هاشمی رفسنجانی در ادامه سخنان خود، خصوصی‌سازی را یکی از محورهای عمده سیاست تعدیل طی هشت سال اجرای آن برشمردند و افزودند: تب دولتی کردن در اوایل انقلاب همه‌گیر بود و مطابق قانون اساسی نیز منابع مهم کشور به عنوان انفال در اختیار بخش دولتی است. ولی در عمل خیلی فراتر از قانون عمل می‌شد.

ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام در این راستا همچنین گفتند: ما این مسائل را به صلاح کشور نمی‌دانستیم و پس از جنگ شروع به اصلاح این موارد و اجرای برنامه خصوصی‌سازی کردیم. ولی عده‌ای با طرح غارت اموال و اینکه پولدارها، پولدارتر شدند و فقیرها، فقیرتر، به مقابله با این سیاست پرداختند.

ایشان در بخش دیگری از گفتار خود افزودند: تنش‌زدایی در روابط خارجی، ایجاد فضای اجتماعی و سیاسی باز، از ضرورت‌های حرکت اصلاح سیاست ساختاری بود که من خود ایجاد این فضای باز را بر عهده گرفتم که (البته) از سوی جریانهای افراطی نیز برخوردهایی شد. آقای هاشمی در ادامه گفتند: از ملزومات سیاست تعدیل، فضا سازی بود. باید فضای کشور آماده می‌شد تا بخش خصوصی و سرمایه مردم و قدرت مدیران را به کار بگیریم. در آن شرایط کسی حاضر نبود سرمایه خود را به زمین بچسباند. ایجاد آرامش و امنیت برای سرمایه، یکی از کارهای مهم ما در برنامه اول توسعه بود و در بخش اجرا نیز با توجه به (وجود) موانع، در مجموع موفق بودیم.

ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام در بخش دیگری از بیانات خود خطاب به دانشگاهیان گفتند: کسانی که به اسم دانشگاه حرف می‌زنند، کمی فکر کنند! وقتی اعلام می‌کنند

کشور ۳۰ میلیارد دلار مقروض است، آیا فکر نمی‌کنند، در حالی که تراز بازرگانی دولت، طی این دو سال (اخیر) منفی بوده و با اعلام رئیس کل بانک مرکزی، ما الان ۱۲ میلیارد دلار بدهی خارجی داریم. (پس) این ۱۸ میلیارد دلار باقیانده از کجا پرداخت شده است؟!

ایشان پس از ارائه این بخش از گفته‌های خود در زمینه کارهای انجام گرفته در دوران سازندگی افزودند: جایگزینی گاز به جای نفت یکی از کارهای بزرگ دوران سازندگی بود و اگر این کار نمی‌شد، امکان صادرات نفت (را) در این حدی که امروز هست، نداشتیم.

آقای هاشمی رفسنجانی سپس به دنبال این مطالب، تقویت زیربنای اقتصادی کشور، جایگزینی تولید برای صادرات در برابر واردات، روان کردن حمل و نقل، برقراری توازن میان تولید و مصرف برق، ساختن نیروگاه‌ها و سدها، رساندن صنایع پتروشیمی و صنایع فلزی کشور از (حالت) واردکننده به صادرکننده را از دیگر دستاوردهای دوران سازندگی برشمردند و افزودند: ما با تجربه اجرای دو برنامه به این نتیجه رسیده‌ایم که باید یک برنامه درازمدت اقتصادی ۲۰ ساله برای کشور تنظیم شود.

ایشان در ادامه، به کارگیری منابع خارجی را ضروری خوانده و در این باره گفتند: برای ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی نباید درهای کشور را به روی سرمایه‌های خارجی ببندیم.

حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در پایان سخنان خود، یکبار دیگر از زحمات و تلاشهای دست‌اندرکاران هایش اقتصاد ایران قدردانی کرده و برای تمامی شرکت‌کنندگان و دست‌اندرکاران آرزوی موفقیت نمودند و بدین ترتیب مراسم به طور رسمی گشایش یافت.

پس از پایان یافتن سخنان افتتاحیه آقای هاشمی، مراسم برای مدت کوتاهی جهت پذیرایی حضاران و آماده‌سازی تالار برای نشست روز نخست، توقف یافت.

بر پایه برنامه تنظیم شده از سوی کمیته اجرایی، در این همایش دو روزه در مجموع ۱۵ مقاله برگزیده از سوی هیئت داوران همایش، در پنج نشست جداگانه به وسیله نگارندگان ارائه گردیده و در پایان هر نشست نیز، یکی از اعضای نشست و هیئت رئیسه (پانل) مقالات ارائه شده در آن نشست را جمع‌بندی کرده و تا جای ممکن به پرسشهای رسیده از سوی حضاران پاسخ

داده می‌شد. در پایان هر روز نیز میزگردی با حضور اعضای از پیش برگزیده برای میزگرد برپا گردیده و به گفتگو و نقد و بررسی مجموعه مقالات آن روز و نیز مسائل مطرح شده از سوی حاضران پرداخته می‌شد.

در نخستین نشست این همایش که پس از پذیرایی و با چندین دقیقه دیرکرد نسبت به برنامه تنظیم شده آغاز شد. در ابتدا با درخواست مجری برنامه، اعضای نشست اول، پشت جایگاه قرار گرفته و از نخستین سخنران دعوت شد تا مقاله خود را ارائه دهد.

آنگاه آقای دکتر مجرد، معاون ارزی بانک مرکزی، به عنوان اولین سخنران، مقاله خود را به نام «بحثی پیرامون ایمن‌سازی اقتصاد کشور در مقابل شوکهای نفتی» ارائه کرد.

وی در آغاز به بررسی ریشه‌های آسیب‌پذیری اقتصادی کشورهای در حال توسعه پرداخت و نقش سیاست‌های نامطلوب کشورهای یاد شده را در این باره بسیار مهم خواند. در ادامه وی با اشاره به انواع شوکها و تکانه‌های اقتصادی مثبت و منفی، نوع ویژه‌ای از تکانه‌های اقتصادی را که نخستین بار در کشور هلند دهه ۱۹۶۰ روی داد و به بیماری هلندی یا Dutch disease مشهور است، بررسی کرده و آن را نمونه‌ای الگویی از نارسایی‌ها و شوکهای اقتصادی در کشورهای در حال توسعه به شمار آورد. پس از آن با توجه به اینکه بیماری هلندی یکی از تکانه‌های اقتصادی وابسته به منابع طبیعی است؛ موضوع شوکهای نفتی را در کشورهای نفت خیز مانند ایران بررسی کرده و ضمن توصیف مشخصه‌های آن، راههای رویارویی و مقابله با این گونه تکانه‌ها را تا جای ممکن نشان داد. سرانجام نیز به این نتیجه رسید که در کشورهایی همچون ایران که اقتصاد وابسته به نفت دارند و از همین رو نوعی شکنندگی ساختاری در برابر شوکهای نفتی از خود بروز می‌دهند، بهتر است برای درازمدت، اقتصاد کشور را با روشهای ایمن‌سازی در برابر این گونه تکانه‌های احتمالی آینده، بیمه کرد.

وی راههای مختلفی را نیز در این زمینه برشمرد و در نهایت سه شیوه اصلی ایمن‌سازی در برابر شوکهای نفتی را با دلایل گوناگون بدین شرح برگزید:

۱. تشکیل صندوق تثبیت یا Stabilization fund

۲. ورود به بازارهای پولی بین‌المللی

۳. خنثی‌سازی در سیاستهای پولی داخلی

سخنران دوم نشست اول، آقای دکتر محمد طیبیان بود که با مقاله‌ای زیر عنوان: «اثرات متغیرهای اقتصادی اجتماعی بر روند رشد جمعیت کشور در دهه آینده» در این همایش حضور یافته بود.

وی پس از گفتاری مقدماتی درباره آثار متغیرهای اقتصادی اجتماعی بر روند رشد جمعیت و اینکه بیشتر بررسیها و پژوهشهای پیشین به نقش رشد جمعیت در پدید آوردن آثار اقتصادی اجتماعی پرداخته‌اند؛ از روند کاهشی نرخ رشد جمعیت کشور از نزدیک به یک دهه پیش به عنوان پدیده‌ای در خور توجه در مسائل اجتماعی و فرهنگی یاد کرده و ضمن برشمردن دلایل عمده این روند کاهشی پس از یک دوره روند افزایشی شدید در سالهای پیش از این دهه، با ارائه یک منحنی از نرخ رشد در سالهای گذشته و هم‌اکنون، ادامه این منحنی را برای سالهای آینده برپایه آمار کنونی و پیشبینی جمعیت به دست آورده بود که نشان می‌داد، متأسفانه اگر روشهای دیگری برای رویارویی با پدیده افزایش نرخ رشد جمعیت طراحی و اجرا نشود و همان روشهای پیشین به کار رود؛ بی‌گمان با توجه به رسیدن سن بیشتر متولدین سالهای اوج رشد جمعیت به سن ازدواج و اشتغال در سالهای موردنظر (آینده)، رویارویی با گرفتارهایی فراوانی در آینده گریز ناپذیر خواهد بود.

وی با اشاره به اینکه روشهای کنونی تنظیم خانواده که از سوی سازمانها و مؤسسه‌های بین‌المللی در بیشتر کشورهای در حال توسعه به کار می‌رود، فراگیر و کامل نبوده و برای کشوری همچون ایران که متغیرهای اقتصادی اجتماعی، ویژه‌ای دارد، به هیچ روی به کار نمی‌آید، در ادامه گفته‌های خود، جمع‌آوری اطلاعات و آمار در زمینه دلایل توفیق روشهای مربوط به دهه پیش که بر تصمیم خانوار برای کاهش زاد و زایش اثر گذاشته است را لازم و ضروری دانسته و در این راستا مطالعه خود را نیز برپایه همین نیاز و هماهنگی با نظریه گری بکر (برنده نوبل اقتصاد ۱۹۹۲) انجام داده است.

برخی از نتایج جالب مطالعات وی که با استفاده از آمارها و داده‌های مربوط به ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی خانوار (گردآوری شده از سوی مرکز آمار ایران)، به دست آمده است، نشان می‌دهد که افزایش نرخ باسوادی زنان در سنین باروری تأثیر بسیار بیشتری نسبت به افزایش نرخ باسوادی مردان بر کاهش نرخ زادویش و جمعیت داشته است. همچنین، درجه شهرنشینی و منبع و مأخذ درآمد خانوارها نیز تأثیر چشمگیری در تغییر میزان باروری دارد؛ به گونه‌ای که با افزایش درجه شهرنشینی میزان باروری کم شده است. از سویی نیز خانوارهایی که منبع درآمد آنها برگرفته از کار بوده است، در برابر خانوارهای با منبع درآمد وابسته به سرمایه، میانگین پایینتری از نظر تعداد فرزندان داشته‌اند. وی در پایان افزود: برخی از داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عوامل قومی نیز تا اندازه‌ای در باروری و تعداد فرزندان مؤثر است. سپس در ادامه نشست اول، آقای دکتر اکبر کمیجانی، معاونت اقتصادی بانک مرکزی مقاله خود را با موضوع «کارایی سیاست‌های پولی در اثر بخشی بر تورم و رشد اقتصادی ایران» به عنوان سخنرانی سوم نشست ارائه کرد.

وی در ابتدا با اشاره به اهمیت موضوع هدایت سیاست‌های پولی یادآور شد که هم‌اینک اقتصاددانان به این باور رسیده‌اند که باید چارچوبی طراحی کرد تا از راه آن بتوان ضمن افزایش اعتبار و پذیرش سیاستها و سیاستگذاران، مهمترین هدف سیاست‌های پولی را که همانا دستیابی به حفظ نرخ تورم پایین و پایدار است، تحقق بخشید.

دکتر کمیجانی در ادامه افزود: توفیق نیافتن سیاستگذاران در تحقق هدفهای سیاست پولی (ثبات قیمتی) برگرفته از ناپایداری ارتباط میان متغیرهای پولی میانی و هدف نهایی است که بیشتر به دلیل تغییرات پی‌درپی سرعت گردش پول در طی زمان پدید می‌آید. از سوی دیگر، ناسازگاری زمانی میان اهداف تورم و رشد اقتصادی و وجود وقفه‌های نامشخص و درازمدت در اثرگذاری سیاست پولی بر هدفهای اقتصادی، دیگر علت افزوده شده بر ناکارایی سازوکارهای پولی با هدفگذاری مجموعه‌های پولی به شمار می‌رود.

وی با توجه به همین مسئله، بیان داشت: در این مطالعه تلاش شده است تا این ناپایداری

بررسی و واکاوی ...

در چارچوب تحلیل کارایی همزمان در اثرگذاری بر تورم و رشد اقتصادی به روش State-space برگشت پذیر تبیین شود.

بر پایه گفته‌های پایانی سخنران سوم، نتایج مطالعه یاد شده نشان می‌دهد که کارایی سیاست‌های پولی در دوره‌های مختلف بر حسب اثرگذاری بر تورم و رشد اقتصادی متفاوت بوده و نمی‌توان با اتکای به یک قاعده پولی، هدفهای دلخواه تورم و رشد اقتصادی را فراهم نمود. پس از پایان مقاله سوم، اعضای نشست اول با حضور هر سه سخنران، به جمع‌بندی مباحثهای این نشست پرداخته و در آخر، پرسشهای کتبی حاضران نیز از سوی سخنرانان پاسخ داده شد.

سراجم، پس از چند ساعت، نشست نخست پایان یافت تا پس از زمان استراحت و انجام فریضه نماز و صرف نهار، ادامه همایش، با نشست دوم در بعد از ظهر روز اول پی‌گیری شود. در نشست دوم، به ترتیب چهار مقاله ارائه شد که محور اصلی سه مورد از آنها، بررسی برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور به شمار می‌رفت. در این سه مقاله، سه چشم‌انداز متفاوت از نگاه سه پژوهشگر اقتصاد، در زمینه برنامه سوم ترسیم شده بود. یکی با نگاهی خوشبینانه، دیگری با نگاهی بدبینانه و سومی با نگاهی نه چندان خوشبینانه و یا بدبینانه نقد و بررسیهای متفاوتی از این برنامه ارائه کرده بودند.

در ابتدا، دکتر عباس ولدخانی مقاله‌ای را با نام «پیشبینی متغیرهای کلان برنامه سوم توسعه اقتصادی با استفاده از یک الگوی کلان اقتصادسنجی» به عنوان سخنران اول نشست دوم ارائه کرد.

بر پایه گفتارهای آغازین دکتر ولدخانی (که بعداً مشخص شد مطالعه وی، چشم‌اندازی به نسبت خوشبینانه‌تر از دو سخنران دیگر ترسیم می‌نماید)، مطالعه و پژوهش انجام شده از سوی او و همکارش حسن زیبایی، با به کارگیری مبانی نظری اقتصاد کلان و تجربه‌های مدل‌سازی کشورهای در حال توسعه فراهم شده است و در آن با نگاهی ژرف به مدهای پیشین طراحی شده برای ایران، نخست یک الگوی اقتصادسنجی کلان برای ایران تصریح کرده و سپس با به کارگیری

آخرین آمارهای سری زمانی سالانه موجود (۱۳۵۰ - ۱۳۷۷ یا ۱۳۳۸ - ۱۳۷۷) با تخمین تجربی معادلات رفتاری و حل سیستمی مجموع معادلات و اتحادهای مدل به روش گوس - سیدل پرداخته است. آنگاه با انجام آزمونهای قابلیت اعتدالگو و اطمینان یافتن از نتایج شبیه سازی درون نمونه‌ای، الگوی اقتصادسنجی یاد شده برای پیشبینی متغیرهای کلیدی کلان بخشهای واقعی، پولی، مالی و دیگر موارد برای کشور در طی سالهای برنامه سوم به کار رفته است.

پس از سخنرانی دکتر ولدخانی، نوبت به مقاله دکتر جاوید بهرامی رسید که به عنوان سخنران دوم نشست دوم مقاله‌ای را با نام «بررسی امکانپذیری اهداف کمی کلان برنامه سوم با استفاده از یک مدل کلان سنجی» برای همایش فراهم آورده بود.

در مطالعه وی که با نگاهی دیگرگون و ناهمسان با مطالعه سخنران پیشین به برنامه سوم نگریسته بود و چشم اندازی مغایر با آن نشان می داد. ملاک اصلی برای داوری کردن در زمینه انجام پذیری و موفقیت آینده برنامه سوم در راستای هدفهای تضمین شده آن، میزان واقعی و سازندگاری پیشبینی‌های انجام شده در چارچوب برنامه در نظر گرفته شده بود.

دکتر بهرامی پس از تشریح این موضوع، بر پایه ملاک اصلی داوری خود بر این باور بود که تحقق پیشبینی‌های لایحه برنامه سوم، با در نظر گرفتن عملکرد اقتصاد ایران در سالهای پس از انقلاب، چه در دوران جنگ و چه پس از آن، دور از دسترس باشد.

وی در ادامه، ضمن تشریح مدل به کار رفته در مطالعه خود که نام آن را مدل تکمیل شده بهرامی (برگرفته از رساله دوره دکتری خود، ۱۳۷۷) گذاشته بود، اقدام به مقایسه پیشبینی‌های مربوط به آن مطالعه با پیشبینی‌های برنامه سوم کرده و به نتایج متفاوتی دست یافته بود، به گونه‌ای که نشان می داد میزان تورم، درآمد مالیاتی، مربوط به آن مطالعه با پیشبینی‌های مصرف خصوصی و واردات کالاها و خدمات (برحسب دلار)، در برنامه سوم بسیار کمتر از مقادیر به دست آمده در مدل این مطالعه، برآورد شده است. البته در همین مقایسه‌ها، برآورد برنامه سوم از حجم نقدینگی و اشتغال نزدیک به برآوردهای آن مدل نشان می داد. با این حال، برآورد برنامه سوم از متغیرهایی چون عدم توازن بودجه، رشد تولید ناویژه داخلی، رشد تولید ناخالص

بررسی و واکاوی ...

غیرنفتی، سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی (به قیمت ثابت) و نیز صادرات غیرنفتی (برحسب دلار)، بسیار بیشتر از برآوردهای مدل مطالعه یاد شده به دست آمده است.

در پایان سخنان وی، آنچه به عنوان دیگر نتایج مطالعه بیان شد، نشان می‌داد که ناسازگاری هدف تعیین شده، برای تورم و رشد اقتصادی و کاهش مخارج دولت، بویژه در زمینه سرمایه‌گذاری، بدون اینکه به آثار تورمی سیاستهای انبساطی مورد نیاز برای جایگزین شدن بخش خصوصی توجه شود، از جمله اتهامات در خور ژرفنگری و دقت در پیشبینی‌های لایحه برنامه سوم است. به دیگر سخن، رسیدن به رشد مورد نظر برنامه به گونه‌ای که تورم نیز در حد پیشبینی برنامه تعیین شود و اندازه نسبی دولت هم، هماهنگ با برنامه کاهش یابد، ناممکن به نظر می‌رسد.

پس از این سخنرانی که با توجه به رویارویی دو دیدگاه علمی متفاوت در برابر یک موضوع یکسان، تا اندازه‌ای بحث‌انگیز شده و سخنرانان را در هنگام پاسخگویی و جمع‌بندی، وادار به واکنشهای تدافعی و توجیحی کرده بود. نوبت به مقاله آقای حسین باستانزاد رسید که تا حدودی توانست به دلیل دور شدن نسبی از موضوع برنامه سوم، نقش تعدیل‌کننده‌ای در این زمینه ایفا کند.

عنوان سخنرانی و مقاله آقای باستانزاد، «الگوی تخصیص عوامل تولید در بخشهای مختلف اقتصاد ایران» نام داشت که در آن روند تخصیص نهاده‌های اولیه تولید (کاروسرمایه) میان بخشهای گوناگون اقتصادی بررسی و ارزیابی شده و پس از محاسبه شاخصهای بهره‌وری عوامل تولید، اولویتهای بخشی تخصیص منابع در اقتصاد کشور تبیین گردیده بود.

از این مطالعه، نتایج گوناگونی به دست آمده بود که در اینجا با توجه به گستردگی آنها، تنها به موردی که بیشتر برای دوستداران اقتصاد کشاورزی می‌تواند شنیدنی باشد بسنده می‌شود. نتیجه جالب به دست آمده از این مطالعه (و البته چند پژوهش جداگانه دیگر) نشان می‌داد، به عکس آنچه تصور می‌شود کشاورزی کاربر نیست و سرمایه بر به شمار می‌آید.

پس از اتمام سخنرانی آقای باستانزاد، آقای علیرضا امینی به عنوان سخنران چهارم

نشست دوم با مقاله‌ای به نام «پیشینی نرخهای رشد تولید، سرمایه و اشتغال در برنامه سوم توسعه با استفاده از مدل رشد اقتصادی» بار دیگر موضوع بحث‌انگیز برنامه سوم را مطرح ساخت. این در حالی بود که وی با یک نگاه میانه و نه چندان بدبینانه و یا خوشبینانه، با استفاده از مدل رشد اقتصادی «سولو» پیشینی‌هایی در حدود میانه نتایج دو مطالعه پیشین، در زمینه نرخ رشد تولید، سرمایه و اشتغال، انجام داده بود.

پس از ارائه مقاله آقای امینی، گفتگوی اعضای نشست با جمع‌بندی مباحثهای طرح شده در نشست دوم ادامه یافت و در نهایت به میزگرد نخست همایش با حضور دکتر پژویان، دکتر مجرد و دکتر شریف آزاده پیوند یافت. این میزگرد به پاسخگویی پرسشهای حاضران و تبادل نظر درباره گفتا‌های روز نخست اختصاص پیدا کرد و بدین ترتیب نخستین روز همایش پایان یافت. برپایه برنامه تنظیم شده برای روز دوم، سه نشست دیگر در نظر گرفته شده بود که در سه وقت صبح، پیش از ظهر و بعد از ظهر، در مجموع هفت مقاله دیگر به بحث و تبادل نظر گذاشته می‌شد.

نخستین مقاله روز دوم به مقاله آقای دکتر حمید شهرستانی استاد دانشگاه اوهایو آمریکا اختصاص داشت که در آن موضوع مهم «جهانی‌شدن اقتصاد» محور سخنرانی ایشان قرار گرفته بود.

وی در ابتدا، با تشریح روند تغییرات جهان اقتصاد، ویژگیهای عمده جهانی شدن (globalization) اقتصاد را به طور کلی به پنج مورد بخش‌بندی کرد:

۱. گسترش سریع معاملات بین‌المللی ۲. رشد سریع تجارت میان شرکتهای چند

ملیتی ۳. گسترش سریع سرمایه‌گذاری خارجی شرکتهای چند ملیتی

۴. پیدایش بازارهای جهانی ۵. انتقال سریع فن‌آوری و ایدئولوژی

وی در ادامه با بیان این مطلب که هیچ راهی برای جلوگیری از این روند وجود ندارد و کشورهایی که از این حرکت بازمانند و به آن نپیوندند، دچار مشکلات بسیاری شده و راه دشواری را پیش روی خواهند داشت، این نکته را یادآور شد که البته در این حرکت باید به

بررسی و واکاوی ...

گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که زمینه ورود به این گونه فضاهاى اقتصادى جهانى، همچون WTO (سازمان بازرگانى جهانى) فراهم شده باشد زیرا در غیر این صورت به جای بازی کردن در این نمایش اقتصاد جهانى، بازیچه بازیگران و بازیگردانان آن خواهیم شد.

وى در ادامه به دوروش کنونى سرمایه‌گذارى با نامهاى اختصارى FDI و FPI اشاره کرد که در اولى سرمایه‌گذارى به صورت مستقیم صورت گرفته و در آن سرمایه و مدیریت هر دو در اختیار سرمایه‌گذار است (مانند شرکتهای چند ملیتی) ولی در روش دوم تنها سرمایه در اختیار سرمایه‌گذار است و کنترل و مدیریت در چارچوب اختیارات سرمایه‌گذار قرار نمی‌گیرد. (مانند شرکتهای سرمایه‌گذارى بین‌المللى).

وى همچنین در این باره افزود: نوسان اقتصادى در روش FPI خبلى بیشتر از FDI بوده ولى جریان سرمایه در آن گاه تا ۴ برابر FDI است. از سویی FDI یک سرمایه‌گذارى بلندمدت و FPI یک سرمایه‌گذارى کوتاهمدت، سریع و فزّار (hot flow) به شمار می‌آید.

دکتر شهرستانی در ادامه سخنان خود گفت: براساس آمار بانک جهانى، جریان سرمایه از بخش خصوصى در اقتصاد نسبت به بخش دولتی ۶ برابر شده است. این در حالى است که نرخ بهره در کشورهاى در حال توسعه بسیار بالاتر از کشورهاى توسعه یافته بوده و به سبب با صرفه بودن سرمایه‌گذارى با این شرایط و ویژگیها، مى‌توان افزایش سرمایه‌گذارى از نوع FPI را در این گونه کشورها بخوبى مشاهده کرد.

وى در پایان افزود: در مجموع به نظر مى‌رسد با توجه به شرایط جهانى و ویژگیهای اقتصاد ایران، بهترین راه آماده‌سازی برای پیوستن به اقتصاد جهانى استفاده از شیوه FPI به جای FDI باشد.

پس از سخنرانى دکتر شهرستانی، آقای نعمت فلیحى به عنوان سخنران بعدى نشست سوم مقاله خود را با نام «برآورد الگوی عرضه و تقاضای نیروی کار در مناطق روستایی و بررسی میزان انعطاف‌پذیری بازار کار روستایی و شهری» به همایش ارائه کرد.

وى در ابتدا، با اشاره به موضوع بی‌توجهی به توازن منطقه‌ای، بویژه در میان مناطق

شهری و روستایی آن را یکی از مشکلات عمده بازار کار، مخصوص برای سالهای آینده به شمار آورد و در ادامه افزود:

اغلب مطالعات در زمینه بازار کار، روی این نکته اتفاق نظر دارند که رشد چشمگیر عرضه نیروی کار از یک سو و رشد ناچیز تقاضای نیروی کار از سوی دیگر سبب افزایش نگران‌کننده نرخ بیکاری در سالهای آینده است.

او بر این باور است که پرسش بنیادی در این زمینه، وضعیت بازار کار در مناطق روستایی خواهد بود، زیرا بررسی و پاسخ به آن با توجه به متحرک بودن نیروی کار و مسئله مهاجرت دورنمای بازار کار مناطق شهری را نیز توضیح می‌دهد.

وی از همین رو وضعیت بازار کار را از چند سو مهم می‌داند: نخست آنکه شناسایی عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای نیروی کار، سیاست‌گذاران را برای تصمیم‌گیریهایی مناسب جهت کاهش نرخ بیکاری یاری می‌رساند. دوم اینکه بررسی وضعیت بازار کار روستایی تا اندازه‌ای تغییرات مهاجرت از روستا به شهر را در سالهای آینده توضیح می‌دهد. سوم اینکه بررسی بازار کار روستایی، برنامه‌ریزی را در راستای توسعه مطلوب مراکز اسکان روستایی آسان می‌نماید و زمینه‌های مناسب را برای استقرار بهینه جمعیت فراهم می‌کند و چهارم اینکه افزایش رفاه در مناطق روستایی که یکی از هدفهای دولت است، بدون شناخت بازار کار روستایی امکانپذیر نخواهد بود زیرا اشتغال روستاییان همواره یکی از مؤلفه‌های رفاه به شمار می‌رود.

آقای فلیحی سپس با توجه به اهمیت مطالب گفته شده، اشاره‌ای گذرا به مباحث نظری و تحقیقات پیشین و نیز الگوی عرضه نیروی کار بر اساس دوازده گروه سنی (به تفکیک زن و مرد) در مناطق روستایی داشت و سپس در این باره افزود:

در الگوهای یاد شده، عرضه نیروی کار تابعی از پوشش تحصیلی، درصد دارندگان مدرک دانشگاهی، نرخ بیکاری، نرخ تورم، ارزش افزوده بخش کشاورزی، سرانه هزینه‌های تأمین اجتماعی، نرخ شهرنشینی، چند مورد دیگر در نظر گرفته شده است.

بررسی و واکاوی ...

وی سپس درباره الگوی تقاضای نیروی کار در مناطق روستایی افزود: تقاضای نیروی کار روستایی، تابعی از ارزش افزوده بخش کشاورزی (با توجه به نقش برتر بخش کشاورزی در مناطق روستایی)، اعتبارات عمرانی دولت در بخش عمران و نوسازی روستاها، اعتبارات عمرانی بخش کشاورزی، اعتبارات بانکی در مناطق روستایی (نقش بانکها)، نسبت صادرات محصولات کشاورزی به ارزش افزوده بخش کشاورزی (توان صادراتی) و شاخص دستمزد واقعی است. همچنین تابع تقاضای نیروی کار در کل کشور تابعی از تولید ناخالص داخلی، موجودی سرمایه با یک وقفه زمانی و شاخص دستمزد واقعی در نظر گرفته می شود.

در ادامه، موضوع انعطاف پذیری بازار کار روستایی، شهری و کل کشور مورد بررسی وی قرار گرفت و آن را با توجه به گفته های «نکاب» در سال ۱۹۹۸، موضوعی مهم برشمرد که رابطه مستقیمی با کارایی بازار کار دارد.

در پایان نیز به راهکارهایی اساسی برای اشتغال در مناطق روستایی اشاره کرد که در آنها نقش دولت، بانکها و سیاستهای تجاری و مسائل مربوط به وضع قوانین و مقررات، ارزیابی و تجزیه و تحلیل شده است.

پس از آن، با پایان گرفتن سخنرانی آقای فلیحی، جمع بندی مباحث نشست سوم با حضور اعضای نشست و سخنرانان انجام شد و سپس حاضران برای پذیرایی و استراحتی کوتاه به طور موقت تالار را ترک کردند.

پس از پایان پذیرایی، همایش ادامه کار خود را با ارائه مقاله نخست نشست چهارم که به وسیله خانم دکتر پریور، بیان شد، دنبال کرد.

به گفته خانم دکتر پریور مقاله وی که «تأثیر نرخ تعرفه خالص صادرات بخشهای مختلف اقتصادی ایران» نام داشت بر این محور استوار شده است که میان سیاستهای حمایتی مانند تعرفه و متغیرهای عمده اقتصادی ارتباطی درونی وجود دارد. وی هدف مطالعه را نیز بررسی اثر تغییر در نرخهای تعرفه بر واردات و خالص صادرات بخشهای برگزیده اقتصاد با استفاده از روش تعادل جزئی برشمرد و در ادامه افزود:

بخشهای اقتصادی، با توجه به روش طبقه‌بندی کالاها در قانون واردات و صادرات و همچنین تقسیم‌بندی فعالیتهای اقتصادی در حسابهای ملی ایران انتخاب شده‌اند و از همین رو هشت بخش اقتصادی در این زمینه بررسی شدند که عبارت است از: کشاورزی با محصولات شیمیایی، لاستیک و پلاستیک، کاغذ، مقوا و مصنوعات مربوط به چاپ و نشر، چوب و مصنوعات چوبی، نساجی، پوست و چرم، مواد خوراکی، نوشابه‌ها و دخانیات، ساختمان و دیگر بخشها که بخش آخر فعالیتهای مربوط به صنایع و معادن فلزی و غیر فلزی را در بر می‌گیرد.

پژوهش وی از سه مرحله اصلی تشکیل شده است. در مرحله اول به محاسبه نرخهای تعرفه به تفکیک بخشهای اقتصادی در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۳ و انطباق نرخهای برآورد شده با شواهد آماری آثار کاهش در نرخهای تعرفه در سال ۱۳۷۲ بر واردات بررسی گردیده است. در مرحله دوم با توجه به نقش سیاستهای ارزی، مدلی به کار رفته است که بتواند آثار به دست آمده از ترکیب سیاست تعرفه و نرخ ارز را بررسی کند و مسیری از عملکرد کوتاهمدت سیاست یاد شده را از راه قیمتها و ضریب کشش جانشینی طی سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۳ نشان دهد.

در مرحله سوم نیز، در پی برآوردهای مقدماتی و شناخت معیارها به کمک روش شبیه‌سازی، بخشهای تأثیرپذیر از سیاست تعرفه معرفی شده‌اند.

پس از ارائه مقاله نخست، آقای فرزاد کریمی به عنوان سخنران دوم نشست چهارم، گزیده‌ای از مقاله خود را به نام «تعیین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بر صادرات غیرنفتی کشور (۱۳۳۸ - ۷۵)» با استفاده از معادلات همزمان» برای حاضران بیان کرد.

وی در ابتدا با اشاره به این که در سالهای اخیر این اندیشه که افزایش صادرات می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر رشد اقتصادی کشور به شمار آید، به گونه‌ای چشمگیر گسترش یافته است؛ توسعه صادرات و راهکارهای گسترش آن را یکی از اصلی‌ترین هدفهای مسئولان و برنامه‌ریزان در برنامه‌های کلان اقتصاد کشور برشمرده و در این راستا افزود:

با توجه به این مطلب، شناخت عوامل مؤثر و شیوه تأثیر آنها بر صادرات کشور اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند رهیافتهای مهم سیاستگذاری در راستای توسعه صادرات را در اختیار

برنامه‌ریزان کشور قرار دهد.

وی نخستین گام را در راستای پدید آوردن امکان توسعه صادرات غیرنفتی، افزایش تولید داخلی دانست و افزایش سرمایه‌گذاری را برای بالا رفتن حجم تولید، نیاز اساسی خواند. در ادامه نیز وی با استفاده از معادلات همزمان نشان داد که پس‌انداز ملی نیز با فراهم کردن منابع ارزان برای سرمایه‌گذاری نقش بسیار مهمی در راستای افزایش تولید و در نتیجه افزودن بر توان صادراتی کشور ایفا می‌کند.

پس از سخنرانی آقای کریمی، اعضای نشست چهارم با جمع‌بندی مباحث آن نشست، و پاسخ پرسشهای حاضران، نشست چهارم را برای صرف ناهار و برپایی نماز به پایان رساندند. آنگاه، ادامه همایش، با اندکی دیرکرد نسبت به برنامه تنظیمی از سرگرفته شد و بدین ترتیب نشست پنجم با ارائه مقاله آقای دکتر مهدی عسلی، رئیس دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه آغاز به کار کرد.

دکتر عسلی در مقاله خود با عنوان «پایداری تراز مالی دولت در یک اقتصاد متکی به درآمد منابع پایان پذیر» نخست به بحثی پیرامون رفتار مالی دولت از دیدگاه استمرار توازن مالی، در اقتصادی وابسته به درآمدهای به دست آمده از صدور منبعی پایان‌پذیر پرداخته و سپس به این نکته اشاره کرد که در این مطالعه با به کارگیری یک مدل دینامیک ساده و اجرای آن، ضعف ساختاری دولت در این نظام اقتصادی با لحاظ کردن نرخ استخراج و به پایان رسیدن منبع طبیعی تجدیدنپذیر و نیز رابطه مبادله بازرگانی کشور، روشن می‌شود.

وی با یادآوری اینکه ادامه سیاستهای مالی کنونی چنانچه قیمت نسبی منبع طبیعی کاهش یابد، می‌تواند فاجعه‌آمیز باشد، در پایان افزود:

نماگرهای متعارف، همچون نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی، در شرایطی اینچنین، نمی‌تواند راهنمای مطمئنی برای ارزیابی وضعیت مالی دولت باشد.

آنگاه، پس از اتمام مقاله دکتر عسلی، مقاله بعدی نشست، با عنوان «آثار و تبعات افزایش قیمت حاملهای اصلی انرژی بر تورم و هزینه‌های زندگی خانوارهای شهری و روستایی» از

سوی آقای اسفندیار جهانگرد به حاضران ارائه شد.

در ابتدا، وی با اشاره به اینکه تصحیح قیمت‌های نسبی تحریف شده می‌تواند آثار مثبت فراوانی بر اقتصاد یک کشور بر جای بگذارد، تصریح کرد: قیمت حامل‌های اصلی انرژی یعنی نفت سفید، نفت کوره، بنزین، گازوئیل، برق و گاز طبیعی در طی دو دهه گذشته از قیمت‌های تعادلی خود بسیار فاصله گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت دولت به نوعی با پایین نگهداشتن قیمت این حاملها، یارانه‌های پنهان و ضمنی بسیاری به مصرف‌کنندگان که بیشتر در طبقات مرفه جامعه قرار می‌گیرند، پرداخت کرده است.

وی در ادامه افزود: پایین بودن و حتی کاهش قیمت واقعی این حاملها در طول زمان موجب افزایش فزاینده و بی‌رویه مصرف آنها در مقایسه با سطح جمعیت و فعالیت اقتصادی کشور شده است. بنابراین به تعادل رساندن قیمت این فراورده‌ها و اصلاح آنها نه تنها می‌تواند کارایی را در مصرف این منابع تجدیدناشدنی افزایش دهد بلکه پی‌گیری و اجرای این سیاست می‌تواند منابع جدیدی را برای شد اقتصادی بیشتر و کاهش شکاف حساب جاری و کسری بودجه فراهم کند.

وی هدف اصلی مطالعه خود را اندازه‌گیری و تحلیل آثار افزایش قیمت حامل‌های انرژی ششگانه یاد شده در طول برنامه سوم توسعه برشمرد و در پایان برخی از نتایج خود را نمایه‌وار ارائه کرد.

پس از سخنرانی آقای جهانگرد که بار دیگر بر اهمیت افزایش قیمت مواد سوختی و دیگر حامل‌های انرژی، مانند بنزین، تأکید می‌نمود؛ نوبت به ارائه آخرین مقاله آخرین نشست روز پایانی همایش رسید.

این مقاله که «ارزیابی روش شناختی آثار برنامه تعدیل بر رشد اقتصادی» نام داشت از سوی دکتر محمدرضا شریف آزاده به استماع حاضران رسید.

در اینجا گزیده‌ای از مقاله یاد شده از نظر تان می‌گذرد:

برنامه تعدیل اقتصادی که ریشه در نظریه‌های کلاسیک نوین دارد، گفتا‌نهای فراوانی را

بررسی و واکاوی ...

برانگیخته است. شماری در حمایت و برخی در برابر آن، دیدگاه‌ها و گفتارهایی ارائه کرده‌اند. بدیهی است این نوع ارزیابی‌ها، بیشتر در چارچوب ذهنی نهاد‌های لازم و فروضی بیان شده‌اند که اصولاً با کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران هماهنگی ندارند. در مطالعه حاضر یک ارزیابی روش شناختی از برنامه تعدیل با توجه به ساختار اقتصادی توسعه نیافته و مصداق نداشتن فرضهای نظریه در چارچوب این اقتصادها تنظیم شده و نتایج قابل پیشبینی آن (در صورت اعمال برنامه تعدیل) بررسی شده و با توجه به آمارهای رسمی، حدود انطباق نتایج قابل پیشبینی و واقعتهای آماری مورد ارزیابی قرار گرفته است.

پس از ارائه مقاله دکتر شریف‌آزاده، آخرین نشست همایش نیز برگزار شد و پس از آن میزگرد پایانی همایش با حضور آقایان دکتر نیلی، دکتر توکلی، دکتر شرکاء، دکتر عسلی و آقا محمدی تشکیل و از مجموعه دو روز گفتگو و مباحثه‌های علمی، جمع‌بندی و نتیجه‌گیریهای انجام گرفت.

پس از آن، در یک فاصله زمانی در نظر گرفته شده برای برپایی نماز مغرب و عشا و استراحتی کوتاه، وضعیت تالار اجتماعات برای پایان کار همایش آماده شد و سپس با حضور دکتر جاسبی ریاست دانشگاه آزاد اسلامی و سخنان اختتامیه ایشان و اهدای لوح یادبود و جایزه به ارائه‌کنندگان مقالات برگزیده همایش و اجرای زیبای موسیقی سنتی از سوی هنرمندان جوان، همایش اقتصاد ایران رسماً به کار خود پایان داد تا در سال آینده با محور قرار دادن موضوعی ویژه درباره اقتصاد ایران دوباره تمامی استادان، پژوهشگران، دانشجویان، متخصصان و کارشناسان و مدیران اقتصادی کشور را برای ارائه تازه‌ترین و بهترین راهکارها، راهبردها و رویکردهای علمی برای اجرا و سیاستگذاری، به دور هم گرد آورد.

در اینجا لازم به یادآوری است که در کنار همایش یاد شده، سه نمایشگاه تخصصی همزمان با سخنرانی‌ها و مراسم همایش برگزار شد که زمینه‌های زیر را در بر می‌گرفت:

۱. نمایشگاه ویژه اینترنت که در آن امکان معرفی نزدیک به ۲۰۰ پایگاه مهم اقتصادی برای شرکت‌کنندگان به طور زنده وجود داشت. افزون بر آن جزوه و دیسکتی نیز برای آشنایی با

پایگاههای اطلاعاتی، نشانی و محتویات آنها فراهم شده بود.

۲. نمایشگاه کتب، مجلات و نشریات اقتصادی که در آن، مؤسسه‌های تحقیقاتی و انتشارات دانشگاهها، وزارتخانه‌ها و دیگر سازمانهای دولتی در غرفه‌هایی، انتشارات خود را عرضه کرده بودند.

۳. نمایشگاه رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی که با برپایی غرفه ویژه‌ای امکان جستجوی اطلاعات مربوط به رساله‌ها را در نرم‌افزار خاصی برای بازدیدکنندگان پدید آورده بود.

فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه نیز جدای از شرکت در نشستها و گفتگوهای همایش، در بخش نمایشگاه نشریات هم با برپایی غرفه‌ای مناسب و در خور توجه، حضوری مؤثر و شایان در این بخش از همایش داشت که خوشبختانه، مورد توجه و مراجعه بسیار شرکت‌کنندگان در همایش و نیز دانشجویان علوم اقتصادی دانشگاه آزاد و دیگر دوستداران واقع شد.

در پایان این نوشتار، ضمن سپاس از آقای کوروش جوادی، عضو محترم کمیته اجرایی همایش که با ارسال فهرست عناوین برنامه‌های همایش، به انسجام نوشتار حاضر کمک نمودند، لازم می‌داند از آقای مهندس محمد دشوارپسند، سرکار خانم نیره چراغعلی و آقای محمد پهلوان‌مقدم (کارکنان دفتر فصلنامه) که در برپایی و اداره غرفه نمایشگاه و دیگر اموری که زمینه شرکت مؤثر و سودمند فصلنامه را در این همایش فراهم آورد، تقدیر نماید.